

اقتصاد ایران، مولدها را تنبیه می کند

# مناسبات رانتی و دلالی؛ علت اصلی مشکلات جامعه کارگری



دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی روز شنبه میزبان نشست ویژه‌ای با موضوع «تن از کارگر بود که در آن نشست، دو تن از اقتصاددانان برجسته منتقد سیاست‌های فعلی اقتصادی کشور، حضور یافته و به سخنرانی پرداختند.

در این نشست که به همت انجمن اسلامی دانشجویان آزاداندیش دانشگاه علامه برگزار شد، فرهاد مومنی گفت: باید نظام دیده‌بانی برای نظارت بر سیاست‌های تورم‌زا و اشتغال‌زدا تشکیل شود. عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی گفت: یکی از نقاط قوت در شرایط فعلی این است که در مورد نایب‌سامان بودن اوضاع اتفاق نظر وجود دارد. حتی مقام‌های کشور نیز بر چالش‌ها و چالش‌های هاشمی‌صاحبه می‌گذارند و از این رو باید قدر دانست.

مومنی افزود: جامعه دانشگاهی می‌تواند در ریشه‌یابی و شناسایی ساز و کارهایی که وضعیت امروز را پدید آورده‌اند کمک کند. به هر روی شاهد یک بلوغ اندیشه‌ای هستیم و باید از این بابت شاکر باشیم.

وی با اشاره به تکرار این جمله در رسانه‌ها توسط مسئولان که همه ما سوار یک کشتی هستیم، گفت: اینکه گفته می‌شود همه ما سوار یک کشتی هستیم، وجه نمادین صحنه گذاشتن بر چالش‌ها و چالش‌های ما است.

مومنی افزود: ما شاهد خطاهای فاحش در شناسایی راه‌حل‌های خروج از این وضعیت هستیم. مسئولان گرچه به‌ظاهر کامل‌النسبت به شرایط حساسی که در آن قرار داریم، واقف هستند اما راه‌حل‌هایی انتخاب می‌کنند که بر بستر آنها بحران تشدید می‌شود و وضعیت امروز رقم می‌خورد.

این اقتصاددان با بیان اینکه می‌توان این راه‌حل‌های بحران‌زا را در صحنه‌های مقامات سه قوه شنید، گفت: آنها به سیاست‌های بی‌ثبات‌ساز حقوق مالکیت روی کرده‌اند. زمانی که این سیاست‌ها آزمایش شده، رکود تورمی رقم خورده است، با این حال آنها خود را به دامان این سیاست‌ها می‌اندازند.

وی در ادامه با اشاره به بحران صندوق‌های بازنشستگی گفت: غالباً برای توضیح مشکلات می‌گویند که چون اقتصاد ثبات ندارد وضعیت صندوق‌های بیمه‌ای برهم ریخته و آنها دچار بحران شدند. این در شرایطی است که آنچه دقیقاً باعث وقوع این اتفاق شده توضیح داده نمی‌شود و نقش مدیران سازمان‌ها در سیاست‌های رکودآفرین دیده نمی‌شود.

این اقتصاددان تصریح کرد: چرایی بحران و چگونگی حل بحران از زبان مسئولان آشنفنگی اندیشه‌ای آنها را نشان می‌دهد. وی افزود: آنها یا قادر به تقویت و

استفاده از بدنه کارشناسی در مجموعه‌های پایشان نیستند یا اینکه اگر آنها را به کار گرفته‌اند به گوشه‌ای رانده‌اند و از توان آنها برای حل مشکلات استفاده نمی‌کنند. از این منظر شاهد ضعف شدید بنیه اندیشه‌ای مسئولان هستیم. وی با بیان اینکه ضعف بنیه اندیشه‌ای برخی مسئولان متحدانی پیدا کرده که از این ناحیه منافع بزرگی را از آن خود کرده‌اند، گفت: من اسامی این شرایط را روندهای مشکوک اداره اقتصاد ایران گذاشته‌ام. مومنی با اشاره به انتشار یک کتاب سه جلدی در مورد نظام اجتماعی ایران گفت: این بررسی نشان می‌دهد که آشنفنگی‌ها و نایب‌سامانی‌ها سه منشاساسی دارند: یک منشاسان ناکارآمدی در ایفای وظایف، منشاسان دوام‌برحان نابرابری در تمام عرصه‌های توزیع قدرت و منزلت است و منشاسوم آن بحران مشارکت است. از این منظر سیاست‌گذاری غلط باید در قالب روند اداره کشور مورد توجه قرار گیرد. وی افزود: داده‌های یک سرشماری که در این کتاب‌ها به آن پرداخته شده نشان می‌دهند که از سال ۸۵ تا ۹۰ به اندازه جمعیت شاغل کشور، اندکی بیش از ۷۰ هزار نفر اضافه شده است. این در شرایطی است که در این فرصت پنج ساله ۶۲۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برای توسعه اشتغال انجام شده است. حالا خودتان ارزیابی کنید که به‌ازای هر ۱۰ میلیارد دلار چند شغل در اقتصاد ایران در فاصله سال‌های ۸۵ تا ۹۰ ایجاد شده است. این بررسی در خصوص عملکرد مسئولان یافته‌های شگفت‌آور دیگری را هم نشان می‌دهد.

وی افزود: شگفتی کار زمانی بیشتر مشخص می‌شود که خود را با کشور چین مقایسه کنیم. براساس گزارش سازمان جهانی کار در فاصله سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۶ که مدت کمتر از ۲ دهه دی‌ماه یک نفر از همین آقایان در یکی از روزنامه‌ها نوشت و در خواست داد که حالا بهترین زمان برای افزایش نرخ ارز است. حتی او دولت را خطاب قرار داد و گفت شما دیگر رایت را از مردم گرفتاری باید آنچه را که ما می‌خواهیم از منظر ما به نفع کشور است، عملی کنی. می‌بینیم که آنها خیلی بی‌پروا تر با ساختار صحبت می‌کنند.

مومنی افزود: نکته تندی که دهنده‌تر دیگری که باید به آن اشاره کنم تعداد خاص فرصت‌های شغلی ایجاد شده در فعالیت‌های مربوط به عمده‌فروشی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در یک بازه زمانی بلندمدت منفی ۲۸۴ هزار فرصت شغلی در این بخش از دست رفته که این از نیمه قرن ۱۸ در اقتصاد دلال پرور ایران بی‌سابقه است.

**طبقات کارگری از چهار جبهه مورد توجه قرار گرفته‌اند**  
در ادامه این نشست، یک اقتصاددان پژوهشگر اجتماعی دیگر گفت که

بخش اعظم نیروی کار تحت تهاجم چهار جبهه قرار گرفته است. محمد مالجو در تشریح این چهار جبهه گفت: جبهه اول به نقش شهروند در حوزه اقتصادی، جبهه دوم به نقش نیروی کار، جبهه سوم به درجات گوناگون نابرابری از حقوق مالکیت و جبهه چهارم به موضوعات مربوط به توازن قسوا در درون طبقه مسلط است که از اقتصاد ناسالم تغذیه می‌کند، برمی‌گردند.

وی در تشریح دسته اول این دست‌اندازی گفت: بخش اعظمی از طبقات کارگری از هسته سیاسی دور است و در نتیجه در نقش شهروند مورد انتقاد قرار می‌گیرد. از این منظر تصاحب به مدد سلب مالکیت رقم زده می‌شود. در واقع اقلیت منابع را به زیان توده‌ها اختصاص می‌دهند. مالجو با بیان اینکه اقلیتی منابع اقتصادی را با سازوکارهای مختلفی مانند خصوصی‌سازی در اختیار می‌گیرند، گفت: به هر کس که دارای سپرده شده لاقبل به توده‌ها سپرده نشده است. در این سازوکار توده‌ها چیزی را به مدد سلب مالکیت از دست می‌دهند.

این کارشناس علوم اجتماعی گفت: بر بستر خصوصی‌سازی، شرکت‌هایی را که در مالکیت دولت هستند (دولت‌روی کاغذ به معنای نماینده عموم) در اختیار خود درمی‌آورند.

وی با بیان اینکه خلق نقدینگی در بازارهای پولی، دیگر سازوکار سلب مالکیت است، گفت: خلق نقدینگی در بازارهای پولی در شرایطی رخ داده که تولید رشد نمی‌کند اما تورمی از این رهگذر حاصل می‌شود. این تورم قدرت خرید حقوق و دستمزد دیگرها را سلب می‌کند. این گونه تهیه لوازم‌معاش از مزد و حقوق بگیر هاسلب می‌شود.

مالجو نحوه توزیع اعتبارات در شبکه بانکی را دیگر سازوکار سلب مالکیت دانست و گفت: سهم اکثریت جامعه از نقدینگی که به شکل تسهیلات خلق می‌شود بسیار کمتر از اقلیتی است که به واسطه سلب مالکیت از منافع بهره‌مند می‌شوند. فساد اقتصادی در بدنه جامعه نیز دیگر سازوکار سلب مالکیت از شهروندان است.

این اقتصاددان به دیگر الگوهای سلب مالکیت اشاره کرد و گفت: الگوی مخارج دولت، الگوی مالیات‌ستانی، زمین‌خواری، رود و دره‌خواری، کالایی‌سازی عمودی شهرها، دولتی کردن پرسپکتیوها... همه اینها به مدد سلب مالکیت از دولت‌ها اتفاق می‌افتد. وی با بیان اینکه سلب مالکیت اولین حوزه‌ای است که در آن طبقات کارگری مورد دست‌اندازی قرار می‌گیرند، گفت: شهروند در قانون اساسی حقوقی دارد؛ مانند آموزش، مسکن و... دولت این حقوق را به رسمیت شناخته اما به مدد

سلب مالکیت این حقوق از شهروندان گرفته می‌شود. در این حوزه تصاحب به مدد سلب مالکیت و نه شدت تولیدات اتفاق افتاده است. این جمعیت هم‌داشته‌های خود را از دست داده است. مالجو افزود: به این اعتبار، این شهروند زمانی که در نقش نیروی کار در محل کار حاضر می‌شود مجبور است که نیروی کار خود را به کارفرمایان خصوصی، دولتی و شبه‌دولتی در ازای دریافت دستمزد بفروشد. در این بستر رابطه قدرت با کارفرمایان به زیان کارگران و به نفع کارفرمایان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در نتیجه شاهد هستیم که بیش از ۹۰ درصد از نیروی کار با قرار دادهای موقت سرگرم است. این شهروند که حالا مسکن، بهداشت، آموزش و... خود را از دست‌رفته می‌بیند، مجبور است که در مقام نیروی کار، امنیت شغلی خود را هم از دست بدهد. در اینجا راه کار فرما به مراتب تعیین‌کننده‌تر از راه کارگر است.

وی با بیان اینکه زمانی که طبقه کارگر امنیت شغلی‌اش را از دست می‌دهد قادر نیست در مورد بهبود شرایط معیشتی‌اش چانه‌زنی کند، گفت: به مدد سلب مالکیت و ساقط شدن امنیت شغلی، توده‌هایی توانند بر سر میزان دستمزد دهانشان با کارفرمایان چانه‌زنی کنند. این در شرایطی است که دستمزد شرایط زیستی کارگران را تغییر می‌دهد اما کارگر بر آن اختیاری ندارد.

این کارشناس علوم اجتماعی یکی از آفات تضعیف قدرت چانه‌زنی طبقه کارگر را ظهور شرکت‌های تامین نیروی انسانی دانست و گفت: شرکت‌های تامین نیروی انسانی که ز الوصف هستند از طریق قطع رابطه کارگر و کارفرما نقش منابع را به زیان توده‌ها اختصاص می‌دهند.

مالجو با بیان اینکه اقلیتی منابع اقتصادی را با سازوکارهای مختلفی مانند خصوصی‌سازی در اختیار می‌گیرند، گفت: به هر کس که دارای سپرده شده لاقبل به توده‌ها سپرده نشده است. در این سازوکار توده‌ها چیزی را به مدد سلب مالکیت از دست می‌دهند.

این کارشناس علوم اجتماعی گفت: بر بستر خصوصی‌سازی، شرکت‌هایی را که در مالکیت دولت هستند (دولت‌روی کاغذ به معنای نماینده عموم) در اختیار خود درمی‌آورند.

وی با بیان اینکه به همین کارگران اجازه تشکیل یابی مستقل داده نمی‌شود، گفت: در حالی که گروه‌های مختلفی از جامعه که اتفاقاً صاحب نفوذ هستند می‌توانند دست به عمل جمعی بزنند اما کارگران حق تشکیل‌های مستقل کارگری ندارند. آنها نتوانند حق کارگری را از دست بدهند. این امر به نفع کارگران نیست.

مالجو دربارہ جریان دوم گفت: اصلاح‌طلبان در این دسته قرار دارند و می‌خواهند وضعیت کمتر بدتری را رقم بزنند. اصلاح‌طلبان چون ابزاری در اختیار ندارند و اجازه مداخله هم ندارند در مقابل این وضعیت سکوت می‌کنند. در واقع بخش‌های صدا بلند اصلاح‌طلبان به این نتیجه رسیده‌اند که در مقابل این وضعیت سکوت کنند چرا که اگر علل آن را به صورت علنی تایید و اعلام کنند از سوی طرف مقابل (جریان اصولگرای) با آنها برخورد می‌شود. جریان دوم به لحاظ گفت‌وگویی ناهمسو با اعتراضات کارگری حرکت می‌کند. به تشخیص خود، جریان سوم دیگری را هم می‌توانم اضافه کنم. این جریان سوم خواهان تغییر در نظام با اتساک به مداخله خارجی از طریق تحریم، جنگ و... است. این جریان با رسانه‌هایی که در بیرون مرز در اختیار دارد، این گونه جلوه می‌دهد که این حرکات را سازمانده می‌کنند و این به عقیده من یک برساخته است.



**مالجو: از زمان قاجارها روابط قدرت به نفع سرمایه‌داری تجاری است. در چنین شرایطی نیروهای غیرمولد و سرمایه‌داری خود تجاری بر هم‌تابان خود غلبه می‌کنند. همچنین در چنین شرایطی، نابرابری در انواع حقوق و مالکیت به نفع بر خورداران تضعیف می‌شوند**

اخبار کارگری

کواکبیان:

**کارگران و معلمان بازداشت شده مقابل مجلس آزاد شوند**

نماینده تهران در مجلس با اشاره به بازداشت برخی معلمان و کارگران در تجمع مقابل مجلس گفت: افراد دستگیر شده باید آزاد شوند. به گزارش ایسنا، مصطفی کواکبیان در تذکر شفاهی جلسه علنی دیروز مجلس گفت: چرا وزارت کشور مکانی برای تجمع آرام صنفی معلمان و کارگران تدارک نمی‌بیند و مجوزی قانونی برای تجمع آنها بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی فراهم نمی‌کند؟ این در خواست‌را دارم که اگر کارگری یا معلمی در مقابل مجلس دستگیر شده، آزاد شود. وی همچنین با اشاره به اخبار منتشر شده درباره قیمت بنزین افزود: بیان موضوع گران شدن بنزین موجب ایجاد التهاب برای مردم شد. هنوز مراجع رسمی این موضوع را اعلام نکرده بودند که برخی خبرگزاری‌ها این موضوع را بیان کردند. این موضوع مغایر امنیت ملی است.

نماینده نقده در مجلس:

**بازداشت معلمان و کارگران، هتک حرمت مجلس است**

عبدالکریم حسین زاده به بازداشت کارگران و معلمان مقابل مجلس واکنش نشان داد. نماینده نقده در مجلس در حساب توییتری خود نوشت: برخورد با کارگران و معلمان در روز کارگر و روز معلم، آن‌هم در مقابل مجلس، هتک حرمت خانه ملت، جایگاه معلمی و کارگری است. ریاست محترم مجلس بنا به سوگند خود، موظف به دفاع از شأن مجلس است و باید با اقدام جهت آزادی بازداشت‌شدگان و دلجویی از همه، نشان دهد که مجلس همچنان خانه ملت است.

معاون درمان تأمین اجتماعی:

**مشکلی برای درمان بیمه شده‌ها نداریم**



معاون درمان تأمین اجتماعی با اشاره به اینکه ۹۰ درصد بیمه‌شدگان به دلیل مشکلات اقتصادی به بخش درمان مستقیم مراجعه می‌کنند، گفت: این امر باعث می‌شود خدمات پاسخگوی تعداد زیاد آنها نباشد.

مهدی درخشان در گفت‌وگو با مهر در پاسخ به این سوال که آیا بودجه بخش درمان تأمین اجتماعی پاسخگوی ارائه خدمات به بیمه‌شدگان است، گفت: در بخش درمان مشکل بودجه‌ای نداریم بلکه مشکل ما نقدینگی است. وی گفت: بخشی از بودجه وابسته به حق بیمه است و بخشی از حق بیمه را دولت باید بپردازد که آن هم پرداخت نمی‌شود و گاهی نقایصی که پیش می‌آید و مطالبات کارکنان طرف قرار داد به تعویق می‌افتد، نقدینگی‌ای که هر ماه باید به دست ما برسد، کفاف مستمری‌ها را می‌دهد و به بخش‌های دیگر نمی‌رسد. معاون درمان تأمین اجتماعی افزود: مشکلاتی که امروز وجود دارد به دلیل تنگناها و مشکلات اقتصادی مردم است چرا که باعث شده ۹۰ درصد بیمه‌شدگان تمایل به استفاده از درمان مستقیم را داشته باشند در حالی که طبق قانون باید یک سوم به بخش مستقیم مراجعه کنند و دو سوم نیز خرید خدمات داشته باشیم.

کارشناس حوزه کار:

**احیای کوپن الکترونیکی برای حمایت از کارگران ضروری است**

یک کارشناس حوزه کار با اشاره به هزینه سه میلیون و ۷۶۰ هزار تومانی سبد ماهانه معیشت کارگران از دولت خواست سیستم کوپن الکترونیکی را برای حمایت از خانوارهای کارگری و اقلش ضعیف و آسیب‌پذیر احیا کند.

علیرضا حیدری در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: سال گذشته رقم هزینه ماهانه سبد معیشت کارگران، سه میلیون و ۷۶۰ هزار تومان اعلام شد و گروه کارفرمایی، کارگری و دولت در یک اجماع سه‌جانبه آن را پذیرفتند ولی این رقم بر اساس تورم سال گذشته و هزینه‌های مصرفی سال گذشته بود و با توجه به افزایش قیمت حامل‌های انرژی، آب و برق و گاز و ایاب و ذهاب در سال جدید طبعاً رقم سبد معیشت ماهانه بیش از این خواهد بود. لذا افزایش حداقل دستمزد قدرت خرید کارگران را حفظ نکرده است.